

## تأثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی

رشدیه عالیان<sup>۱</sup>، رضا درخشنده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مدرس دانشگاه پیام نور بستک (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه لامرد

### چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که امروزه باید به آن توجه داشت تأثیر نقش وقف و امور خیریه در تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه می باشد. اینکه وقف تا چه حد می تواند در رفع کمبودها و شکوفایی اقتصاد کشور مفید واقع شود، نیازمند بحث و بررسی عمیق صاحب نظران، کارشناسان حوزه اقتصاد در سطح کلان و اعمال آن در سیاست ها و برنامه های عمرانی کشور است. وقف بعنوان پشتوانه عظیم مادی و معنوی، اثرات زیادی در راستای تأمین نیازمندی ها، رفع کمبودها، پیشرفت و شکوفایی کشور در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و... استفاده نمود. فرضیه مقاله این است که «وقف و امور خیریه در شکوفایی اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد». روش تحقیق در مرحله گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است که در بحث های اقتصادی به روش تحلیلی عمل می شود. بررسی های این مقاله نشان می دهند که وقف و امور خیریه در شکوفایی اقتصاد مقاومتی نقش مهم و تأثیر گذار دارد.

**واژه های کلیدی:** اقتصاد، وقف، امور خیریه، تحریم، اقتصاد مقاومتی

**مقدمه:**

امروزه دولت ها برای داشتن اقتصادی شکوفا و مستقل سعی دارند تمام زیر ساخت های رسیدن به این امر مهم و حیاتی را فراهم نمایند. اقتصاد در تمام ابعاد یک جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) از اهمیت بالایی برخوردار است، استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبود های اقتصادی آن جامعه دارد. رشد اقتصادی مهم ترین عنصر و موتور محرکه توسعه اقتصادی است؛ رشد به گفته "کوزینتس" افزایش مداوم سرانه یا تولید سرانه نیروی کار که غالباً همراه با افزایش جمعیت و معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است، می باشد، وی در سخنرانی خود برای دریافت جایزه نوبل تعریف کامل تری ارائه کرده و می گوید: رشد اقتصادی، افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل است تا بتوان نیازهای جمعیت را تامین کرد و افزایش ظرفیت بلند مدت تولید به پیشرفت های نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژی مورد تقاضای آن بستگی دارد. (قره باغیان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۶)

یکی از مهمترین مقوله هایی که می تواند در راستای شکوفایی اقتصاد مقاومتی نقشی مهم و تاثیر گذار داشته باشد، مقوله وقف و امور خیریه است که با مشارکت مردمی و حمایت خیرین در رفع کمبودها و تامین نیازهای مختلف اقتصادی، علمی، فرهنگی، مذهبی و... مورد استفاده قرار می گیرد. در ادامه این مقاله به بررسی تاثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی پرداخته می شود.

**۱. ادبیات و پیشینه ی پژوهش**

در این بخش مفاهیم اساسی و پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد:

**الف) مفاهیم اساسی**

در این مبحث به توضیح مفاهیم اساسی «علم اقتصاد»، «وقف و امور خیریه» و «اقتصاد مقاومتی» اشاره می گردد.

**اقتصاد:**

اقتصاد به نظام فعال در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می شود که در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالا و خدمات است.

علم اقتصاد : دانشی است که پدیده های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را با یکدیگر تعیین می کند، علم اقتصاد شامل نظریه ای است که رویدادهای عینی اقتصادی را دور از هرگونه اندیشه عدالت خواهی و پیش ساخته ذهنی،

تفسیر و تبیین می کند، به عبارت دیگر اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه ها، سازمانها و حتی ملت هاست.

### وقف و امور خیریه:

وقف در اصطلاح فقهی، نگه داشتن و حبس کردن عین ملکی است بر ملک واقف آن نه ملک خدا و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا.

ممکن است صورت ظاهری و نیز آیین نامه های مربوط به مسأله وقف یا شبه وقف در کشورهای مختلف، متفاوت باشد ولی محتوا و هدف اصلی و نهایی وقف در همه جهان و ادیان الهی یکی بیش نیست و آن عبارتند از جاودان قرار دادن تمام یا قسمتی از ثروت خود در راه خدا، به منظور بهره گیری فرد یا افرادی از جامعه بشری در دراز مدت، از درآمد و منافع آن می باشد. بنابراین می توان گفت وقف عبارتند از انتقال مال منقول یا غیر منقول که مالک آن تسلط قانونی بر آن را به انسانی امین منتقل می کند و آن فرد امین متصدی مدیریت و سوددهی آن مال می گردد تا به دست استفاده کنندگان از آن مال که مالک مشخص نموده، برساند.

مترادف وقف: موقوفه، واگذاری، اهدا، بخشش، نذر، هبه، افامت، توقف، ایست، مکث، وقفه، اختصاص دادن، منحصر کردن

نخستین فقهی که در جهان اسلام نوعی دسته بندی علمی برای عطایا تدوین نمود فقه شافعی بود. وقف از دیدگاه شافعی عطیه ای است که با قول تحقق می یابد و مالکیت واقف بر مالش به پایان می رسد. (شافعی، ۱۴۰۳ق، الام، ج ۷، ص ۵۳) شیخ طوسی در مبسوط (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ج ۳، ص ۲۸۶) و ابن ادریس حلی در سرائر (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۵۲) با تکرار این دسته بندی آن را تأیید کرده اند. همه بزرگانی که وقف را نوعی صدقه دانسته اند، عطیه بودن وقف را تأیید می کنند؛ بنابراین وقف بیع، اجاره، شرکت و دیگر عقود و ایقاعات باب تجارت نیست که مردم مؤمن برای سود و روزی حلال به این ابزارها تمسک می جویند. از این جهت، امروزه نهاد وقف را بخش خیریه یا بخش سوم اقتصاد می شمارند که نواقص بخش بازار و بخش دولت را در تأمین نیازهای واقعی جامعه برطرف می کند. درباره نهاد وقف دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد که ناشی از عدم درک حقیقی جایگاه فقهی، مکتبی و علمی این نهاد در تمدن اسلامی و نظام پویای اقتصادی اسلامی ناشی است. دیدگاه افراطی، وقف و قرض الحسنه را آنقدر بزرگ می کند که می خواهد با آنها بیشتر دشواری های نظام اقتصادی جامعه اسلامی را حل کند و از این راه به تمدن سازی اسلامی بپردازد اما دیدگاه تفریطی آنقدر آنها را کوچک می کند که می گوید دیگر وقف، قرض الحسنه و ... کارایی لازم را ندارند و باید به آنها بی توجه باشیم. (ر.ک به: رباحی سامانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۰)

**اقتصاد مقاومتی:**

اقتصاد مقاومتی انگاره ای است که مقام معظم رهبری پس از تحریم های یک جانبه سال ۲۰۱۲ میلادی از سوی اردوگاه غرب علیه ایران وضع شد، مطرح نمودند. پیام اصلی انگاره اقتصاد مقاومتی این است که وابستگی اقتصادی کشور به نفت کاهش یابد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند. در واقع، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم ها و توطئه های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد فعال و پویاست نه اقتصاد منفعل و بسته، به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ می کند. این اقتصاد همانطور که یک اقتصاد خودکفا و خوداتکاست اما این خودکفایی به معنی منزوی بودن نیست. توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه ی داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیربنایی، مهمترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی اند. در اقتصاد مقاومتی، جهت گیری سیاست های تجاری به کشورهای همسایه معطوف است؛ به فعالیت های اقتصادی همچون جهاد می نگریم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مدنظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می شود. در واقع اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد، اقتصاد مقاومتی از ویژگی استقلال و خودکفایی بهره مند است و تلاش می کند آسیب پذیری خود را به حداقل برساند و همچنین این اقتصاد، اقتصادی است که در تعامل با سایر اقتصادها قرار دارد، بدین معنی که این اقتصاد یک اقتصاد منزوی و بسته نیست. در چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی چهار مورد قابل طرح است:

**اقتصاد موازی:** تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همانطور که انقلاب اسلامی با توجه به نیازهای خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهایی مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از نهادهای رسمی اقتصادی برنمی آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند.

**اقتصاد ترمیمی:** تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی که در پی «مقاومسازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی گفته می شد که فلان نهاد نمی تواند انتظارات ما را برآورده کند، رویکرد جدید به دنبال آن است که با بازتعریف سیاست های نهادهای موجود، کاری کند که انتظارات نظام را برآورده سازد.

**اقتصاد دفاعی:** تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه شناسی، آفند شناسی و پدافند شناسی نظام در مقابله با آن هجمه است. یعنی باید ابتدا بررسی شود که حمله به اقتصاد ایران و اخلاف در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته ایم که ابزارها و شیوه های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

**اقتصاد الگو:** چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می شود. (پیغامی، ۱۳۹۱)

اصولاً مکانیزم تاثیرگذاری سیاست تحریم علیه هر کشور، از طریق تحمیل هزینه های اقتصادی بر شهروندان کشور مذکور عمل می کند، تا از این طریق بر دولت فشار آورده شود، زیرا که انتظار می رود دولتمردان برای حفظ موقعیت خود متمایل به ترجیحات و خواسته های شهروندان شده و تغییر رویه دهند. (یارمحمدی، ۱۳۹۰)

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم ها علیه یک منطقه یا کشوری اطلاق می شود که مجاز به واردات و صادرات هیچ گونه کالایی نباشد به عبارت دیگر مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد اقتصاد در شرایط مقاومت برای فرار از بحران در زمینه های اقتصاد ی بکار گرفته می شود، این نظام اقتصادی در پی مقاوم سازی، آسیب زدایی، خلل گیری، ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد. اقتصاد مقاومتی، فعالیتی است که اقتصاد کشور ها را در برابر تحریم ها حفظ می کند و در عین حال سیستمی صرفاً دفاعی به اقتصاد کشور نمی دهد و لازم است موقعیت اقتصادی با استفاده از ظرفیت های موجود تقویت گردد که می توان از سرمایه وقف برای مقابله با تحریم ها در الگوی مقاومتی بهره برد. اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال پیشرو، فرصت ساز، مولد، درون زا و برون گرا باشد. (قوامی، ۱۳۹۱)

با توجه به سهم اندک جمهوری اسلامی ایران از تجارت جهانی رویکرد اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم های یک جانبه و افزایش امنیت سیاسی کشور توصیه می شود. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی پذیرد که صرفاً مصرف کننده باشد، منفعل نیست و برای ایستادگی در برابر جریان مقابل تلاش دارد با رویکردی فعال به ادغام و درهم تنیدگی اقتصاد سایر کشورها با خود میزان آسیب پذیری ها را کاهش دهد. اقتصاد مقاومتی دارای یک بعد داخلی و یک بعد بین المللی است. اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد منزوی نیست، بلکه یک اقتصاد مستقل است. در شرایط وابستگی متقابل پیچیده و درهم تنیدگی منافع کشورها بعد بین المللی اقتصاد مقاومتی نیز به این مساله اشاره می کند، بدین معنا که ایجاد وابستگی متقابل بین اقتصاد

کشور با اقتصاد سایر کشورهاست. ازین رو جمهوری اسلامی ایران باید به منظور حفظ رونق اقتصادی کشور و همچنین بالا بردن ضریب امنیت سیاسی کشور به اتخاذ مواضعی که مبتنی بر همکاری بین المللی است اقدام کند. در این راستا بهره گیری مناسب از دیپلماسی اقتصادی در چانه زنی های بین المللی ضمن پرهیز از در معرض قرار دادن نقاط ضعف کشور توصیه می شود. عنصر اصلی و ممتاز اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی است به گونه ای که اگر این عنصر تحقق نیابد دیگر سیاست ها بصورت مطلوب محقق نیافته یا نتیجه بخش نخواهد بود. (معزی، ۱۳۹۱)

### ب) پیشینه تجربی پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

حسینی (۱۳۷۹) در کتاب الگوی تخصیص در آمد و رفتار مصرف کننده مسلمان در استخراج الگوهای تخصیص درآمد فرد مسلمان علاوه بر مخارج مصرفی، الگوی پس انداز و سرمایه گذاری به الگوی مشارکت های اجتماعی نیز می پردازد و بهترین مصداق آن را در قرآن و احادیث، «انفاق فی سبیل الله» معرفی می کند؛ و به کارکردهای اقتصادی الگوی تخصیص در آمد فرد اشاره می کند و افزایش اشتغال، رشد اقتصادی، کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد و... را از جمله مهمترین آثار اقتصادی الگوهای تخصیص درآمد فرد مسلمان معرفی کرده و به تحلیل این روابط می پردازد.

درخشان و نصراللهی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران» توسعه بخش سوم اقتصاد (وقف و امور خیریه) را به عنوان راهکاری برای اجرای اقتصاد اسلامی و با استفاده از ظرفیت های اقتصادی مردم معرفی می کند؛ این مقاله به روش کتابخانه ای با ارئه مدلی مفهومی تعامل بخش سوم با دو بخش دیگر اقتصاد تفسیر کرده و با استفاده از تحلیل آماری اثر رشد و توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص های اقتصادی مانند رشد تولید ناخالص (GDP)، شاخص توسعه انسانی (HDI) تحلیل شده است؛ نتایج گویای آن است که رشد بخش سوم اقتصاد اثر مثبت و قابل توجهی بر تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی دارد.

خادم علیزاده و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله ای به عنوان «اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی در ایران» از هزینه مراسم مذهبی خانوار (SR) و صدقات (SCHA) به عنوان مولفه هایی برای سنجش شاخص های مذهبی در مدل رشد پیشنهادی استفاده کرده است.

#### ب) تحقیقات خارجی

در دهه ۱۹۹۰ اقتصاددانانی چون رومر ۱۹۹۰، گروسمن و هلیمن ۱۹۹۱، آقیون و هویت ۱۹۹۲ الگوهای رشدی طراحی نمودند که در وضعیت ثابت بودن سرمایه های فیزیکی و نیروی کار می توان نشان دهنده رشد اقتصادی

باشند؛ ویژگی اصلی این الگوها که به مدل های رشد درون زا شهرت یافتند؛ حذف بازده های نزولی نسبت به مقیاس بود؛ در این الگو ها نقش فناوری به وسیله ویژگی های مختلفی همچون ویژگی های شخصیتی ، آگاهی انباشته ، مخارج تحقیق و توسعه و منابع پایان پذیر و پایان ناپذیر تعیین شده است. رشد درون زا با تاکید بر این نکته که رشد اقتصادی ، پیامد نظام اقتصادی است نه نتیجه نیروهای وارد شده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیکی متمایز می سازد. آنها فعالیت های مبتنی بر نوآوری با جهت گیری تجارت در واکنش به محرکه های اقتصادی را بعنوان موتور اصلی پیشرفت تکنولوژی و رشد اقتصادی در نظر می گیرند؛ این مدل ها نیز به دو دسته مدل های رشد مبتنی بر تحقیق و توسعه و مدل های رشد درون زای مبتنی بر سرمایه تقسیم می شوند.

بریگو گلیو (۲۰۱۴) در مقاله ای به ایجاد مقاوم سازی اقتصاد در کشورهای کوچک آسیب پذیر پرداخته است . مطابق با این مقاله اقتصادهای کوچک قادر به ایجاد مقاومت اقتصادی برای خنثی کردن آسیب پذیری های اقتصادشان هستند. این آسیب پذیری به شرایط ذاتی اقتصاد در مواجهه با شوک های خارجی ارتباط می یابد. اقتصادهای کوچک با درجه بالای باز بودن اقتصاد و وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک همچون غذا و سوخت مشخص شده اند که شاخص آسیب پذیری اقتصاد را نشان می دهند.

دایلی و همکاران (۲۰۱۰) در دو بخش به بحث توسعه منطقه ای و محلی در مفهوم مقاومت پرداخته اند. ابتدا با انتقاد از مفهوم تعادل ایستای مقاومت ، پیشرف های رویکرد مقاومت پویا در حوزه منطقه ای و محلی بررسی شد. سپس، شکاف بین مقاومت و دستورات سیاستی، از طریق مفاهیم توانایی سازگاری، ظرفیت تطابق و خلق مسیرهای جدید در مقاومت در مناطق در حال توسعه تجزیه و تحلیل شد. در انتها با یک مطالعه موردی، به نقش مداخلات سیاستی در ایجاد تغییر و شکل گیری مقاومت پرداخته شد.

هیل و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی و معرفی مفاهیم مقاوم سازی اقتصادی منطقه ای می پردازند. در این مقاله، چهار مفهوم تعادل، مسیر وابستگی، چشم انداز سیستمی و بلندمدت در شناساندن مفهوم مقاومت بررسی شده است . سپس، با استفاده از این تعاریف ، روش کیفی و کمی را ارایه می کنند تا به عملیاتی کردن مفاهیم و ارزیابی عوامل مؤثر بر مقاومت اقتصادی منطقه ای بپردازند. به بیان دیگر، برای توسعه تعریف عملیاتی کردن مفاهیم کمی، از مفهوم تعادل شروع می کنند و به بخش مقاومت در مسیر سیستمی هدایت می شوند. مناطق مقاوم و غیرمقاوم بابررسی عملکرد اقتصادی آن منطقه در یک دوره زمانی قابل شناسایی است ؛ ولی متغیرهایی نیز برای اندازه گیری مقاوم سازی اقتصادی وجود دارند، از جمله تعداد سالهای سپری شده برای بازگشت به مسیر رشد پیش از بروز شوک، درصد اشتغال از دست رفته در مقایسه با یک دوره استاندارد و یا مقیاس های دیگری که رابطه بین عملکرد اقتصادی پس از وقوع شوک اندازه شوک را بررسی می کند.

دوآل و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی سیاست های ساختاری و مقاومت اقتصادی به شوک ها در کشورهای OECD پرداختند. نوسان چرخه ای در این گروه کشورها با گذشت زمان تعدیل شده ، اما اندازه و پویایی این نوسان در

کشورهای OECD متفاوت بوده که این ناهماهنگی به درجه متفاوت مقاومت به شوک ها نسب داده می شود. در این مقاله، واگرایی در مقاومت، به سیاستگذاری های متفاوت و نهادهای مختلف در حوزه نیروی کار، تولید و بازارهای مالی در این گروه کشورها ربط می یابد. در این مقاله، با استفاده از داده های ۲۰ کشور عضو OECD در سال های ۱۹۸۲-۲۰۰۳ اثر جایگاه سیاستگذاری بر دو بُعد مقاومت یعنی اثر اولیه شوک و پایداری متعاقب آن بررسی شده است. سیاست ها و نهادهای مقاوم و غیرمنعطف در بازار نیروی کار و تولید اثر اولیه شوک ها را تضعیف می کند، اما اثر شوک ها را پایدارتر می سازند؛ ولی سیاست هایی که بر بازارهای رهنی عمیق تر (مانند وامهای مسکن) تأکید می کنند، پایداری شوک ها را کاهش داده و مقاومت را بهبود می بخشند. با ترکیب این دو بُعد مقاومت و بر مبنای سیاست های جاری یا اخیر کشورهای OECD، از معادلات برآورد شده برای ساخت شاخص مقاومت استفاده شد.

کوئیس و کاپل (۲۰۰۵) نیز به بررسی الگوهای چرخه های تجاری در کشورهای OECD پرداختند. مطابق با بررسی آنها، انعطاف پذیری بازارهای مالی عامل کلیدی در افزایش مقاومت در این گروه از کشورها معرفی شده است.

متولی (۱۹۸۳) در مقاله «سیاست مالی در اقتصاد اسلامی» نشان می دهد که پرداخت زکات سبب افزایش مصرف کل می شود؛ چون میل نهایی به مصرف پرداخت کنندگان زکات کمتر از دریافت کنندگان زکات است و این به معنای آن است که در تعیین درآمد ملی نقش دارد و هر چه زکات بالاتر باشد، میزان در آمد ملی تعادلی تر بالا خواهد رفت.

باروچ و دیگران (۲۰۱۰) بر این باورند که مطالعه شان برای نخستین بار است که صریحاً به بررسی رابطه علیت بین فعالیت های خیرخواهانه و انسان دوستی و عمل کرد مالی شرکت و ساز و کار ویژه این رابطه می پردازد؛ این مطالعه با استفاده از نمونه بزرگی از کمک های خیریه شرکت دولتی آمریکا از سال ۲۰۰۰-۱۹۸۹ و با استفاده از آزمون علیت گرنجر به این نتیجه رسیده است که کمک های خیریه به میزان قابل توجهی مرتبط با رشد درآمد در آینده استریال به نظر ایشان کمک های خیریه موثر ترین عامل افزایش درآمد در بخش های مصرف کننده مانند خرده فروشان و خدمات مالی می باشد؛ البته فعالیت های خیرخواهانه ممکن است غیر از افزایش رشد فروش و افزایش بهره وری کارکنان، سرمایه گذاری را نیز هدف قرار دهد.

## ۲. مبانی نظری

### الف) بررسی کارکرد نظری نهاد وقف

وقف حداقل دو اثر مهم درونی و برونی دارد. اثر درونی وقف به انسان خیری بر می گردد که مبادرت به این عمل صالح کرده و با وقف یک بخش و یا تمام اموال خود، درون خویش را پالایش کرده و به تزکیه نفس پرداخته است. او از این طریق تعلقات مادی را از خود زدوده و روحیه مال اندوزی و تکیه بر ثروت دنیوی را از خود دور کرده است. در مورد اثر بیرونی وقف نیز می توان گفت اگر وقف در جامعه گسترش یابد بسیاری از معضلات اجتماعی را می تواند حل کند و در محور فقر و محرومیت ها تاثیر شگرف بگذارد و از اختلافات شدید طبقاتی جلوگیری کند که به طبع آن



اسباب تألیف قلوب مسلمین نسبت به یکدیگر را فراهم می کند. وقف از یک طرف وسیله ای بسیار خوب برای ایجاد انس، الفت و همبستگی بین مسلمانان است و از طرف دیگر وسیله ای برای تألیف قلوب مردم غیر مسلمان. اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است که در شرایط بروز ناملایمات و حوادث و بحران ها و یا در مسیر اهداف ، پویا و پایدار تخصیص یهینه منابع را انجام دهد. در این دیدگاه اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی می باشد، زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت ها و قابلیت های عمل اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمأ دارد. ( اسدی، ۱۳۹۳)

وقف جامعه را از آلودگی ها و ناخالصی ها پاک می کند و راه را برای تزکیه آن هموار می سازد. وقف میراث بزرگ انسانیت ، بشر دوستی ، سرمایه فناپذیر مدنیت و فرهنگ است که ارزش آن چنانکه باید تا کنون نشان داده نشده است. در مجموعه احکام و تعالیم اسلام، سنت وقف و خیرات و صدقات جاریه به عنوان رهنمودی انسان ساز و فرهنگی مترقی به شمار می رود که آثار اخلاقی و عواید معنوی بزرگ و بی شماری را به دنبال دارد و می تواند با تأمین نیازهای مادی و معنوی و گستردن راه کسب فضایل و کمالات، جامعه ای به هم پیوسته و نمونه را پایه گذاری نموده و از بروز بسیاری از آلام و مصائب و رواج مفاسد اخلاقی جلوگیری به عمل آورد. سرمایه اعم از مالی و پولی موتور محرک اقتصادی توسعه اقتصادی است، پس از دهه هفتاد رشد سرمایه گذاری خارجی بسیار چشمگیر بوده است به گونه ای که از رشد تجارت پیشی گرفته و تا مرز بیش از دوبرابر رشد صادرات کالا و خدمات ارتقاء یافته است، شرکت های بین المللی و سرمایه گذاری از طریق سرمایه گذاری خارجی با انتقال سرمایه، انتقال فناوری جهت کارایی اقتصادی، مهیا کردن دسترسی به بازار های خارجی و انتقال فنون و مهارت اقتصادی زمینه لازم را جهت استفاده بهینه از سرمایه خارجی برای توسعه و ادغام فراهم می آورند. (پوراحمدی، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۰)

ب) نقش تحریم در اقتصاد :

یکی از معضلات حوزه اقتصادی تحریم هایی است که برخی از دولت ها برای رسیدن به اهداف، منفعت و خواسته های خود علیه یک یا چند کشور در عرصه بین المللی اعمال می کنند. تحریم اقتصادی در حقیقت به معنی دستکاری روابط و همکاری اقتصادی در راستای تأمین اهداف سیاسی است که بدون شک در روابط خارجی با مناسبات سیاسی و اقتصادی در هم آمیخته و به هم مرتبط می باشد ، چنان که وابستگی سیاسی بسیاری از کشورهای جهان سوم معلوم وابستگی آنهاست. منظور از استقلال اقتصادی یعنی روی پای خود ایستادن و در امور اقتصادی تحت قیمومیت دیگران قرار نگرفتن است البته این برداشت مستلزم خودکفایی نیست زیرا ممکن است کشوری کالا را به شکل مبادله و براساس نیاز طرفین وارد و یا صادر نماید به طوری که نوع تعامل نه خودکفایی است و نه وابستگی اقتصادی . به عبارت دیگر یکی از اصول حاکم بر اقتصاد مقاومتی نگاه به درون یا درونگر بودن است به عبارت دیگر باید ابتدا شناخت دقیقی از مزیت های ذاتی اقتصاد کشور کسب کرده و با استفاده صحیح از آن ارزش افزوده بالایی را ایجاد نمود، تا جایی که اقتصاد داخلی جایگزین اقتصاد وابسته به کشورهای دیگر گردد. با مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در ایران و لزوم بازسازی اقتصاد کشور، در واقع این سیاست خواهان ارتباط با اقتصاد جهانیست. اقتصاد مقاومتی، پویا و فعال، به خارج از مرزها توجه داشته و با یک برنامه ریزی راهبردی ضمن تلاش

برای خودکفایی کشور صادرات و رقابت در بازارهای جهانی را هم در افق برنامه های خود داشته است. اقتصاد مقاومتی مستلزم بکارگیری مدیریت راهبردی همه جانبه نگر است که خاستگاه آن، سند چشم انداز بیست ساله کشور و بلندپروازی های واقع بینانه مندرج در آن و نه تحریم اقتصادی است (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۲)

### پ) ضرورت اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم

تحریم ایزاری تنبیهی است که در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می گیرد. هدف از تحریم فشار بر کشور هدف برای تغییر رفتار است. این تغییر رفتار می تواند، تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاست های اقتصادی باشد. (۴: Carter ۱۹۸۸) اصولاً مکانیزم تاثیرگذاری سیاست تحریم علیه هر کشور، از طریق تحمیل هزینه های اقتصادی بر شهروندان کشور مذکور عمل می کند، تا از این طریق بر دولت فشار آورده شود، زیرا که انتظار می رود دولتمردان برای حفظ موقعیت خود متمایل به ترجیحات و خواسته های شهروندان شده و تغییر رویه دهند. (یارمحمدی، ۱۳۹۰)

با توجه به فشارها و تحریم های غرب، عده ای این وضعیت را وضعیت جنگ اقتصادی می دانند که اگر به درستی مدیریت نشود بسیار مخرب تر از جنگ نظامی است. مساله ای که در این میان حائز اهمیت است، مساله طول زمان تحریم هاست و این امر نیز وابسته به معادلات بین المللی است و در این شرایط باید دقت کرد که اثر تحریم چه مقدار و چه قالبی است. هدف غرب از تحریم اقتصادی ایران شکستن مقاومت جمهوری اسلامی ایران در موضوع پرونده هسته ای و همچنین در اهداف انقلاب ایران است. درواقع ایران به عنوان محور مقاومت در برابر اسرائیل و آمریکا، در منطقه شناخته می شود، لذا غرب خواهان این است که مانع الگو شدن ایران به عنوان محور مقاومت در منطقه شود. آنچه که در این شرایط تعیین کننده است، انتخاب راهکاری برای غلبه بر این تحریم ها و فشارهاست. در کنار استفاده از ظرفیت های دیپلماتیک جهت زدودن آثار منفی و کاستن از سختی تحریم ها، در داخل کشور نیز باید راهکاری تعیین شود. با توجه به این شرایط ضرورت توجه به راهکار اقتصاد مقاومتی مشخص می شود. این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که لزوم اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند. بنابراین به نظر می رسد، مهمترین مولفه های اقتصاد مقاومتی؛ «پیشرفت و کاهش آسیب پذیری» در شرایط «مقاومت» در برابر جبهه استکباری با استفاده از ظرفیت وقف و امور خیریه است. (غفارپور و پورحاتمی، ۱۳۹۱).

**ت) جایگاه وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی:**

سرمایه عظیم وقف و امورات خیریه (عام المنفعه) را می توان همانند دیگر سرمایه های داخلی و خارجی با رعایت همه جوانب حق و حقوق موقوفات، موازین شرع و اهداف واقفان در فرایند فعالیت های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکورد و ایستایی به حالت تحرک و تکثیر هدایت نمود تا بدین وسیله به رشد، توسعه و استقلال اقتصادی کشور کمک کرد و هم روز به روز بر سرمایه وقف افزوده گردد. بهره گیری از فرهنگ وقف به منظور فعلیت یافتن توانایی های وقف در افزایش سرمایه های انسانی و اجتماعی، تعدیل نابرابری های درآمدی، کاهش فقر در جامعه، گسترش رفاه عمومی و افزایش سرمایه کشور موثر خواهد بود. طراحی شیوه های جدید برای جذب اعضای جامعه و مشارکت در راستای تحقق این سنت نیک اسلامی لازم به نظر می رسد چرا که استفاده از روش های نوین جهت بهره گیری از سرچشمه بی نهایت وقف را ضروری دانسته است. شبکه های وسیع اقتصاد مانند ایجاد بانک وقف پول، وقف سهام، وقف بورس و ثبت دیگر شرکت های اقتصادی در صادرات و واردات موجب می شود، غالب افراد جامعه احساس کنند، می توانند اقدامات ارزشمندی در این مسیر ابدی و بابرکت انجام دهند و با شناخت از اهداف اصلی و فرعی برای زندگی دنیوی و اخروی خود توشه ای ماندگار ذخیره سازند. اگر شورای قانون گذاری و سند چشم انداز وقف با حضور کارشناسان اوقاف، حقوقدانان، فقها و صاحب نظران به جنبه های مختلف و فراگیر عرصه اقتصادی وقف بپردازند، خواهیم دید که بدلیل ماهیت زودبازده وقف و اثرات ارزنده آن می توان کمپانی بزرگ اقتصادی موقوفات را راه اندازی و بواسطه وقف و امور خیریه بسیاری از مشکلات و دغدغه های اقتصادی را برطرف نمود. آثار و خیرات وقف بعنوان یک فرهنگ بالنده علاوه بر تسهیل در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معنوی به نحوه بارز در رفع فقر، پیشرفت و استقلال اقتصادی نقش قابل ملاحظه ای دارد. گسترش فرهنگ وقف می تواند در کاهش معضلات اقتصادی و نابرابری های عمیق درآمدی اقشار جامعه موثر بوده و بعنوان اهرمی قدرتمند در راستای شکوفایی و رشد اقتصاد محسوب گردد، با استفاده از مقوله وقف و بهره گیری از سیاستگذاران و مدیران عرصه اقتصاد نه تنها می توان در رفع محرومیت ها از جامعه تاثیر گذار بود، بلکه از نابرابریها شدید طبقاتی جلوگیری کرده و زمینه افزایش موجودی اجتماعی و توسعه اقتصادی را فراهم نماید. وقف قادر است توده های ضعیف از درآمدهای جامعه را با یک توزیع مجدد داوطلبانه ی درآمد، بهره مند ساخته و فرصت و قدرت اندیشیدن، درک منافع بلند مدت جامعه و در نتیجه همسویی با برنامه های توسعه را ایجاد کند. اقتصاد مقاومتی را می توان با استفاده از اصطلاح فنزیت اقتصادی تبیین می نماید و مقاوم سازی اقتصاد ایران را منوط به اتخاذ راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف تحریم ها می داند. (سیف، ۱۳۹۱)

**ث) تاثیر وضعیت اقتصادی جامعه بر وقف و امور خیریه:**

بدون تردید سطح اقتصادی دولت ها و میزان دارایی مردم در افزایش و کاهش وقف تاثیر زیادی دارد حکومت هایی که در آن آشوب و نابسامانی اقتصادی موج می زند، طبیعتاً بر وضع اقتصادی و میزان دارایی مردم نیز تاثیر گذار

خواهد بود، بنابراین می توان اظهار داشت که اقتصاد ارتباط مستقیمی با وقف دارد عدم وجود تامین نیازهای اجتماعی، تورم، گرانی و کمبود نقدینگی مانع از ایجاد وقف های متعدد در اجتماع می گردد، به عبارت دیگر هرزمان که اقتصاد عمومی جامعه رونق گرفت مردم توان بیشتری برای وقف اموال خود را دارند. همکاری اقتصادی دولت ها، براساس دستاوردهای مطلق با وجود امکان انتفاع طرف ها موجب انتفاع کلیه طرف های همکاری می شود. اگر اقتصاد کشورها به چنین بنیان هایی متکی باشد؛ مداخله دولت های رفاه جهت بازتوزیع درآمد نیز هرچند سبب بهبود نسبی رفاه عمومی شده ولی با مشکلات جدی همچون هزینه بالای بازتوزیع ثروت (هزینه های دریافت مالیات و پرداخت یارانه) و کسری های ممتد بودجه تأمین اجتماعی در زمان رکود اقتصادی، روبه روست. افزایش هزینه های رفاهی، بدون کاهش در مخارج دیگر بخش های عمومی و خصوصی، در عمل دولت های رفاه را مجبور به افزایش نرخ های مالیاتی نموده که خود سبب تشدید رکود می شود این مشکل تا حدودی متأثر از شکل گیری ساختار تأمین اجتماعی متمرکز است که در آن نقش کمک های داوطلبانه مردم جهت فقرزدایی کمرنگ می شود. (استیگلitz ۱۳۹۱)

علی رغم تحولات نظری و عینی اقتصاد سیاسی بین الملل، همچنان کشمکش میان دولت و بازار و سهم هر یک از این دو در اقتصاد سیاسی بین الملل در عصر جهانی شدن ادامه دارد. (موسوی شفاهی، ۱۳۸۶) بر این اساس جهانی شدن تنها دست اندازی ساده بازارها به حاکمیت دولت نیست، بلکه دولت ها، بازارها و دیگر بازیگران در قالب یک فرآیند ماهیت و روند جهانی شدن را شکل می دهند. در این مجموعه از اقتصاد سیاسی برای تبیین تغییر رابطه میان سیستم های سیاسی (ملی و بین المللی) و نیروهای اقتصادی استفاده می شود. (سلطانی، ۱۳۸۱)

### ج) آثار اقتصادی وقف و امور خیریه:

شناسایی بازخوانی مفهوم وقف و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی، در بوجود آوردن سیستم اقتصاد پایدار و مقاومتی فرایندی است که هر از چندگاهی نیاز به مطالعه و نگاه دوباره پیرامون این موضوع دارد. استفاده جوامع مدرن از وقف و امور خیریه بویژه موقوفات اقتصادی آثار ارزشمندی در سیستم مالی جامعه بوجود می آید که تاثیر آن در زندگی دنیوی و اخروی انسان ها یکی از ضرورت های برون رفت از بحران اقتصادی است، از طرف دیگر راه تدبیر رفع نیازمندی های مردم با موضوعات جدید نیت وقف و همچنین فرهنگ سازی و فراهم نمودن بستر مناسب برای ایجاد موقوفات جدید سرمایه ای و مالی در عرصه های مختلف جامعه، گزارش از بیوگرافی وضعیت کنونی موقوفات اقتصادی، بیان دیدگاه جهانی و بین المللی، یک نیاز مورد قبول همگانی است. حفظ دستاوردهای موقوفات اقتصادی نیز بر این اساس اهمیت دارد که توسعه اقتصادی به طور عموم و عنصر اقتصاد مقاومتی بعنوان الگویی از سبک زندگی اسلامی به طور خاص با غنای برگرفته از فقه و حقوق اسلامی تحقق یافته و با شناخت قوانین وقف در برنامه های مدون موسسات اقتصادی و منظومه سیستم مالی اسلام جهت بهره برداری از موقوفات و توسعه چرخش گرا، تولید و مصرف باید گامی سرنوشت ساز برداشت. موضوع توسعه اقتصادی همراه با الگوی صحیح مصرف در جوامع اسلامی و ایجاد دانش ساختار نوین براساس الگوی اسلامی بسیار حساس و مهم بوده و این معیار باید جدا از

الگوهای تقلیدی و نمونه برداری شده از اجتماعات و جوامع دیگر جهان باشد. توسعه تمدن عظیم اسلامی در ادوار گذشته مرهون تلاش های حوزه های متعدد فکری، قانون گذاری و اجرایی بوده است که در عصر و شرایط کنونی نیز برای اقتصاد مقاومتی برگرفته از فرهنگ وقف قابل تکرار می باشد که این پیشرفت و تحول همه جانبه از دین مبین اسلام و تاکیدات حضرت محمد (ص) نشأت گرفته است. موقوفات مالی را باید بعنوان نقطه عطف و پدیده موثر در رفع خلأ های موجود از نگاه شرع و عقل دانست که باتاکید بر دستورات اسلام و آرای مطابق حقوق موقوفه قابلیت اجرا و برنامه ریزی داشته باشد. یکی از عوامل مهم رونق و شکوفایی جامعه دین محور تجلی روحیه انفاق، ایثار، نیکوکاری، فداکاری و مهرورزی است که همه اینها نمونه ای از اثرات ارزشمند وقف و امور خیریه محسوب می شود. با بهره گیری از سرمایه وقف و امور خیریه می توان اقتصادی کارآفرین، فعال و پویا داشت که به کمک این سرمایه سودمند، زیرساخت های اساسی اقتصاد را تقویت نمود، وابستگی اقتصادی کشور را به صادرات نفتی کاهش داد و از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی به نحوه ممکن حمایت کرد، در نتیجه اقتصاد داخلی به نحوه چشمگیری رونق خواهد یافت و اگر در آینده بار دیگر کشور از سوی مخالفان جمهوری اسلامی با تحریم اقتصادی مواجه شد تاثیر چندانی بر چرخه های اقتصادی کشور نخواهد گذاشت و این یعنی اقتصادی الگو و موفق.

نظام برنامه محور وقف از گستردگی و تنوع عظیمی برخوردار است که تولید، عرضه، تقاضا و اقتصادکارآمد را نمونه ای از آن گستردگی باید دانست. البته امروزه با پیشرفت تکنولوژی و پیچیده تر شدن نیازهای اقتصادی جامعه، مشارکت و حضور نهادهای مردمی در این عرصه امری مهم و حایز اهمیت است، بنابراین واقفان و نهادهای مردمی می توانند، پیرامون برطرف کردن مشکلات اقتصادی جامعه اقدام به وقف اموال خود در موارد ذیل نمایند:

(الف) تاسیس و ایجاد کارگاه هایی جهت اشتغال بویژه قشر جوان جامعه

(ب) تاسیس صندوق های قرض الحسنه و اعتباری به منظور اعطای وام به جوانان، نخبگان و نیازمندان

(پ) ایجاد مراکز تحقیقاتی در حوزه علمی و پژوهشی، صنعت و تولیدات داخلی، فناوری و...

(ج) حمایت از طرح های ابتکاری در حوزه علم، هنر، صنعت، تولید و...

(د) تامین زمین و ساخت مسکن برای نیازمندان بخصوص قشر جوان

(ه) حمایت از تولیدکنندگان داخلی

(و) مشارکت در احداث و تقویت زیر ساخت های اقتصادی

## ۳. پیشنهادات :

## الف . پیشنهادهای کاربردی

در حال حاضر با توجه به وجود تحریم های شدید علیه جمهوری اسلامی ایران و شرایط اقتصادی ، در زمینه های جدیدی مانند سرمایه گذاری اقتصادی با شاخصه های فقهی ، حقوقی ، حفظ انضباط مالی جهت امر پژوهش، تولید علم و فناوری، امور اجتماعی مانند ازدواج ، ساخت خانه هایی برای سالمندان و افراد کارتن خواب ، طراحی و فراهم نمودن اطللس فعالیت های اقتصادی برای واقفان و متولیان امور خیریه در رفع وابستگی اقتصادی ، تعادل عرضه و تقاضا بخصوص در اقتصاد مقاومتی نیاز به وقف و اجرای نیت واقفان دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق و اهمیت نقش وقف و امور خیریه به منظور عبور از اقتصاد مقاومتی و شکوفایی اقتصاد کشور به ارائه مجموعه پیشنهادهایی بشرح ذیل پرداخته می شود:

۱- با توجه به اینکه نتایج تحقیق نشان داد به طور کلی وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد؛ ضرورت دارد تا کارشناسان و برنامه ریزان این مهم را بیش از پیش مورد بررسی قرار دهند و بایدها و الزامات تحقق این امر مهم را در عمل نیز فراهم آورند.

۲- با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان داد؛ وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی تاثیر بیشتری دارد؛ توصیه می شود مسئولین ضمن توسعه ی بیشتر وقف و امور خیریه؛ از آن به عنوان اهرمی اساسی در توسعه ی اقتصادی کشور بهره گیرند.

۳- بالا بردن میزان آگاهی و اطلاعات عمومی واقفان و متولیان امور خیریه در راستای دست یابی به توسعه و پیشرفت همه جانبه.

۴- فرهنگ سازی و فراهم کردن شرایط گسترش حوزه های به کارگیری وقف و امور خیریه

۵- تعیین دورنمای اهداف اوقاف و امور خیریه در ارتباط با مدیریت مبتنی بر اقتصاد مقاومتی

۶- توجه عمیق و اصولی به مقوله وقف و امور خیریه و داشتن تعریف اصولی و شفاف و متناسب با «توسعه ی اقتصادی» با توجه به ملاکها و شاخص های مطرح شده از اهمیت زیادی برخوردار است.

۷- داشتن نظریه و دکترین: در تکمیل راهبرد فوق، تعیین دکترین، فلسفه و نظرگاه به خصوص در حوزه وقف و امور خیریه با توجه به چارچوب دیدگاهها و جهت گیری های مطلوب مورد بررسی قرار گیرد.

۸- درگیر نمودن ذهنی کلیه ارکان سازمانی و اداری کشور در موضوع تشخیص راهکار اساسی عبور از اقتصاد مقاومتی در راستای وفاق و همراهی با آن معضل.

## ۲-۳-۵- پیشنهادهای پژوهشی

از آنجا که در این تحقیق، وضعیت میزان استفاده مؤلفه های تاثیرنقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی مشخص شده است پیشنهاد می شود در آینده پژوهش های زیر نیز انجام گیرد:

- ۱- بررسی تاثیرنقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی در سطح بین المللی.
- ۲- انجام پژوهش هایی جهت ایجاد و پیشنهاد الگوی وقف و امور خیریه
- ۳- بررسی و تحقیق در مورد تاثیرنقش وقف و امور خیریه در کشورهای پیشرفته.

## نتیجه گیری:

برای گذر از اقتصاد مقامتی ابتدا باید آن را شناخت و سپس با دیدی واقع بینانه و اصولی، جنبه های مختلف آن را ریشه یابی کرد که لازمه آن مقاوم سازی، آسیب زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای ناکارآمد و فرسوده، غلبه بر تفکر غلط در برخی سیاست گذاری های اقتصادی کشور، از بین بردن زمینه های فساد اقتصادی و ارتقای کیفیت محصولات داخلی با ارتقای فضای رقابتی و از بین بردن انحصارها و رانت ها می باشد، البته دستیابی به موارد فوق الذکر نیازمند عزم ملی و تلاشی همه جانبه با استفاده از برنامه ریزی اصولی و منطقی صورت می گیرد باید وابستگی خارجی را کاهش داده و تلاش برای خوداتکایی و تولید داخلی کشور افزایش یابد، در این مدل اقتصادی تحریم هارا باید به دید فرصتی ارزشمند نگریست که می توان با استفاده از ظرفیت های وقف و امور خیریه جهت عبور از اقتصاد مقاومتی بهره برد. شاخص اصلی در حرکت اقتصادی رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه است که موقوفات به عنوان سرمایه ای ملی نقش بسزایی در رونق اقتصاد کشور دارد، اگر واقفان بطور صحیح و اصولی نسبت به کمبودها و نیازهای روز جامعه اطلاع یابند و اموال خود را مطابق با این کمبودها وقف نمایند، نه تنها نیازها برطرف خواهد شد بلکه چرخه های اقتصاد نیز با شتاب بیشتری به سوی استقلال و شکوفایی رشد خواهد کرد.

## منابع

- دبیرسپهری، مهران، اقتصاد برای حکمرانان، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر ۱۳۸۸
- ریاحی سامانی، نادر، دانش پور، سید علی، چرا و چگونه وقف کنیم، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۸
- فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی وقف میراث جاویدان سال بیست و یکم / تابستان ۱۴۳۴/۹۲، شماره ۸۲، نشر موسسه فرهنگی و هنری نورراسخون
- رضوی همدانی، سید جلال، نقش وقف در توسعه اقتصادی اسلام، انتشارات سوم شعبان، ۱۳۹۲
- سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، نشر مشهد، ۱۳۷۰

- شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، انتشارات اسلام، ۱۳۶۷
- میر معزی، سید حسین، فصلنامه مفید، شماره ۱۴، بهار ۹۵
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۲)، «جمهوری اسلامی ایران و تعامل با نظام اقتصادی جهانی: توسعه و ضرورت اصلاحات اقتصادی سیاسی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال اول، شماره دوم، زمستان
- غفوری روز بهانی، ناصر، بررسی منابع درآمدی سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان برنامه و بودجه
- توکلی، محمدجواد، ایزانلو، امید، رویکرد اقتصاد مقاومتی در آسیب شناسی اقتصادی، دوفصلنامه پژوهش های اقتصاد مقاومتی / سال اول/شماره ۲/پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- اخباری، محمد، قلی زاده، صدیقه، ثبات اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۹۴
- خادم عزیززاده، امیر، عبدالهی آرانی، مصعب، غفورزاده، حسین، ارتباط انفاق و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۶
- آجیلی، هادی، اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۹۲
- یارمحمدی، ناصر (۱۳۹۰)، «آیا تحریم های اقتصادی علیه ایران تاثیرگذارند؟»، دنیای اقتصاد، ۴ مهر، در:
- [http://www.donya\\_e\\_eqtesad.com/Default\\_view.asp?@=270870](http://www.donya_e_eqtesad.com/Default_view.asp?@=270870)
- غفارپور، داوود و زهره پورحاتمی (۱۳۹۰)، «اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت اقتصادی»، سایت سازمان امور اقتصادی و دارایی مرکزی، در:
- <http://www.mk.mefa.ir/portal/home/showpage.aspx?object=>